

گفت‌وگو با رخساره قائم مقامی

تصویر زنده دیگر اعتبار گذشته را ندارد

امیرحسین ثنائی



کتاب انیمیشن، مستند تألیف و گردآوری رخساره قائم مقامی در چهار فصل به زمینه‌های رواج، کاربرد و زیبایی‌شناسی انیمیشن، نمونه‌شناسی و... این فرم بالنده و در حال رشد می‌پردازد. قائم مقامی هم‌زمان با ساخت **سیانوزه**، تحقیقات کتاب را آغاز کرده؛ کتابی که در سال جاری جایزه بهترین تألیف را از جشن کتاب سال سینما از آن خود کرده است. با او درباره کتاب و فرم انیمیشن، مستند به گفت‌وگو نشسته ایم.

موضوع کتاب شما، موضوع پایان‌نامه‌تان هم بوده، دانشگاه در مسیر این تحقیق چه نقشی داشته است؟

بله، این کتاب در اصل پایان‌نامه من بود. البته باید بگویم که تنها کاری که دانشگاه برای این کتاب انجام داد، این بود که من را مجبور کرد یک موضوع برای تحقیق پیدا کنم. دانشگاه‌های ما محل خوبی برای یادگرفتن و تحقیق نیستند و انگیزه پژوهش را در دانشجویان تقویت نمی‌کنند. من در تمام دوره دانشگاه بدترین نمره‌ها را

می‌گرفتم و هیچ وقت هم سر کلاس‌ها حاضر نمی‌شدم. با این که رتبه ۳ کنکور هنر بودم و در فوق لیسانس هم رتبه‌ام یک بود. شاید همین عدم حضور در دانشگاه و کلاس‌ها باعث موفقیت‌های من شد. وقتی کسی ۳۰ تا دانشجوی را سرکلاس می‌کشاند بدون این که برنامه‌ای برای آموزش آنها داشته باشد، دارد به آنها و خودش توهین می‌کند. من از این توهین‌ها رنج می‌کشیدم و سعی می‌کردم وقتی را توی کتابخانه بگذرانم. البته این را بگویم که در دوره کارشناسی ارشد (که انیمیشن می‌خواندم) وضعیت کلاس‌ها بهتر از دوره کارشناسی بود که سینما می‌خواندم. استاد‌های جدی‌تر و درس‌های کاربردی‌تری داشتیم، ولی اوضاع تحقیق حتی بدتر هم بود و حتی کتاب تئوریک در زمینه انیمیشن نداشتیم. البته این را هم اضافه کنم که این ضعف تئوریک دانشگاهی در رشته انیمیشن فقط در ایران نیست، در سراسر دنیا هم مطالعات انیمیشن لاغرترین مطالعات سینمایی جهان است.

ساختار کتاب و فصل‌بندی‌ها را از ابتدا طراحی کرده بودید؟

اولین فصل‌بندی‌ها بر مبنای ترجمه اولیه از مقالات موجود شروع شد. به اضافه تحقیقاتی که در آرشيو کانون پرورش فکری کودکان با کمک و مهربانی آقای کریمی صارمی انجام داده بودم. بر همین اساس یک شکل کلی برای پایان‌نامه طراحی کرده بودم. بعد هم

که کار ادامه پیدا کرد و با رسیدن مطالب جدید فصل‌های جدیدتری شکل گرفتند. بعد از ارائه پایان‌نامه آقای صفورا که یکی از داوران جلسه پایان‌نامه من هم بودند، به من پیشنهاد کردند که این پژوهش به صورت کتاب توسط مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی چاپ شود. اما من خواستم که دوباره مورد بازنویسی قرار بگیرد. دوباره جست‌وجوهایم را شروع کردم و یک سال دیگر زمان گذاشتم. بازهم ساختار کتاب متحول شد و بخش‌هایی اضافه و بخش‌هایی حذف شد. یک چیزهایی که به نظر قبلاً مهم بودند و به صورت یک بخش بودند در حد یک پاراگراف مطرح شدند و برخی پاراگراف‌ها به صورت یک بخش درآمدند. البته کار در جاهایی هم بسیار نامیدکننده پیش می‌رفت و مطالب مورد نیازم را پیدا نمی‌کردم. در همین زمان به شکل معجزه‌آسایی با خانم دکتر فاطمه شکیب آشنا شدم. ایشان در انگلیس درباره آثار اولیه کمپانی آرمن که از شروع کنندگان موج مستند انیمیشن در دهه ۸۰ بود، تحقیق می‌کرد. ایشان متوجه شده بود که من در ایران مشغول کار روی این پروژه هستم و لطف کرد و منابعش را در اختیار من قرار داد که به من بسیار کمک کرد.

به فرم مستند انیمیشن نه در ایران که در مطالعات سینمای مستند در سراسر دنیا هم بسیار کم پرداخته شده، فکر می‌کنید چرا؟

برای همه عجیب و سؤال‌برانگیز است که کسی مثل بیل نیکولز که یکی از مهم‌ترین محققان سینمای مستند است، در نوشته‌هایش هرگز اشاره‌ای به فرم مستند انیمیشن نکرده است. من فکر می‌کنم یکی از دلایلش این باشد که افکار عمومی، فیلم زنده را بخش جدایی‌ناپذیر مستند می‌دانند. آثار انیمیشن مستند از آنجا که تکنیک انیمیشن دارند، همواره در طبقه انیمیشن جای می‌گیرند و خیلی توجهی

به محتوای مستند آنها نمی‌شود. از طرفی خود انیمیشن هیچ وقت آن طور که باید جدی گرفته نشده است و همه فکر می‌کنند انیمیشن برای بچه‌هاست و در پژوهش‌های آکادمیک خیلی به آن نمی‌پردازند. انیمیشن مستند در دهه ۹۰ میلادی به رسمیت شناخته شد. ما در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی سیطره سینما وریته و... را داریم. فیلم‌هایی که ادعا می‌کردند به شیوه مگس روی دیوار ساخته شده‌اند؛ یعنی فیلم‌ساز هیچ دخالتی در واقعیت نداشته و فقط آن را ضبط کرده است. بعد در دهه ۸۰ به دلیل تغییر رویکردها، ذهنیت فیلم‌ساز مهم‌تر از پیش شد. به این منظور که ذهنیت فیلم‌ساز را بخشی از واقعیت در نظر گرفتند و بعد به مستندهای اجرایی رسیدیم که نمونه بارزش مستندهای مایکل مور است که در فیلم‌هایش به صراحت درباره خودش، خواسته‌ها و فکرش حرف می‌زند.

همین مسائلی موجب شد که این سؤال مطرح شود که اگر ذهن فیلم‌ساز مهم است، اگر این ذهن دلش بخواهد از انیمیشن استفاده کند، چه؟ این دخالت‌های ذهن‌گرایانه در کنار زمینه‌های تکنیکی، رسانه‌ای و تئوریک موجب رشد این فرم شد. این که الان نسبت به شروع تحقیق حجم مطالب موجود در اینترنت در این زمینه سه برابر شده‌اند، نشان دهنده بسط یافتن و اهمیت پیدا کردن این شکل از فیلم‌سازی است. می‌دانید که هم‌زمان با اروپا در دهه ۵۰ شمسی آثاری مانند از طهران تا تهران، در ایران با لحن مستند و فرم انیمیشن تولید و ساخته شده، و این درست هم‌زمان با شروع موج جدید فرم مستند انیمیشن در اروپاست؛ هر چند ممکن است به صورت ناخودآگاه باشد. حتی در آن دوره در اروپا هم پراپش اسمی نداشته‌اند. البته فیلم والس با بشیر که اخیراً ساخته شده، اولین نمونه تجاری و حرفه‌ای این گونه فیلم‌سازی است که نشان‌دهنده

شده‌اند. امروزه به جایی رسیده‌ایم که آهسته آهسته دیگر نمی‌توانیم تفاوت تصاویر ضبط شده و دستکاری شده در کامپیوتر را متوجه شویم. و حالا می‌توانیم بگوییم تصویر زنده آهسته آهسته در حال از دست دادن اعتبار خود است.

یعنی به انیمیشن به عنوان تکنیک نگاه می‌کنند و از آن بهره می‌گیرند؟

بله، می‌تواند مستندی وجود داشته باشد که انیمیشن تکنیکش باشد و مستند رویکردش. یعنی اگر ما قائل به تعریف مستند ادعای واقعیت است باشیم، با این تعریف با انیمیشن هم می‌توانیم یک مستند را پوشش دهیم.

نبود منابع هم حتماً کارتان را خیلی مشکل کرده است.

ببینید، چند منبع اصلی برای پژوهش سینمایی وجود دارد. یکی منابع کتابخانه‌ای است، یکی منابع اینترنتی و دیگری هم آرشیوهای فیلم. برای پژوهش‌های مستند آرشیو مناسبی وجود ندارد و حتی جایی مثل مرکز گسترش هیچ تصویری درباره این که باید آرشیو ش را در دسترس پژوهشگران قرار بدهد ندارد. آرشیو از نظر آنها مکانی است که باید با امانتداری آثار را از هر گونه دیده شدن حفظ کرد. شخصاً بابت نبود منابع خیلی اذیت شدم. خیلی‌ها می‌گفتند نمی‌توانی این کار را انجام دهی. حتی در اینترنت شاید فقط با دو مقاله جدی مواجه شدم و بیشتر نظرات و نوشته‌ها شخصی بود تا تخصصی. مطالب اصلی این پژوهش مقالات چاپ شده در مجلات تخصصی مستند و انیمیشن بود که توسط دکتر

فاطمه شکیب و دیگر پژوهشگران از سراسر دنیا برای من فرستاده شد و بعد آنها را ترجمه کردم و در متن از آنها استفاده شد. کتابی که به طور کامل به این موضوع پردازد پیدا نکردم (و کسی را هم ندیدم که چنین کتابی را بشناسد) و فقط برخی کتاب‌ها در برخی فصولشان به این موضوع اشاره کرده‌اند. مشکل دیگر این بود که سایت‌هایی مثل آمازون به خاطر تحریم به ایران کتاب نمی‌فرستند و مجبور بودم از دوستانم در خارج از کشور بخواهم کتاب‌ها را برایم از آمازون بخرند و بعد که به دستشان رسید، برایم پست کنند.

کار تحقیق را از کجا آغاز کردید؟

ای میل‌هایی را تنظیم کردم و برای خیلی‌ها فرستادم. اما فقط ۲۰ درصدشان جوابم را دادند. ولی به شکل خستگی‌ناپذیر هر کسی را پیدا می‌کردم که می‌توانست به من کمک کند، برایم ای میل می‌فرستادم. وقتی اولین بار جیلیان لیسلی ای میل را جواب داد، آن قدر هیجان‌زده بودم که تا یک روز

ای میل را باز نکردم. بعد دیدم که مقالاتش را برایم فرستاده و افرادی را به من معرفی کرده که ممکن است در کارم به من کمک کنند. از میان این افراد مایکل رنوف خیلی به من کمک کرد.

در جریان نظرات مخاطبان قرار گرفته‌اید؟

با این که کتاب بارها و بارها مورد ویراستاری قرار گرفته، اما خب اشکالاتی هم دارد که خودم می‌دانم و باید در چاپ‌های بعدی تصحیح شوند و یا فصل جدیدی به کتاب اضافه شود. برای کتاب بسیار بیشتر از فیلمم زحمت کشیدم، اما حسرت به دلم ماند که کسی به طور جدی در رابطه با آن حرف بزند و بگوید اشکالاتش چیست و یا نظراتش را بگوید. انگار ما متأسفانه کتاب تئوریک خواندن را به درستی بلد نیستیم. نمی‌دانیم چطور باید از آن استفاده کنیم. متأسفانه نه کنجاوی هست و نه پی‌گیری. این کتاب جایزه بهترین تألیف سینمایی سال را از آن خود کرده، ولی متأسفانه این قدر پخش و تبلیغات نامناسبی داشت که خودم هم نمی‌دانم از کجا باید آن را تهیه کنم. یا با این که یک دی‌وی‌دی ضمیمه کتاب است که خوانندگان بتوانند به آن نمونه فیلم‌های ساخته شده را ببینند، ولی در بسیاری از موارد این کتاب بدون دی‌وی‌دی عرضه شده. مشکلاتی از این قبیل برمی‌گردد به بی‌نظمی‌ها و بی‌مسئولیتی‌هایی که دیگر به صورت قاعده زندگی در آمده است.



این است که انیمیشن مستند فرمی بالنده است که تازه دارد جایگاه خود را در سینما پیدا می‌کند.

شاید یک دلیلش هم تعاریف متعددی است که از سینمای مستند وجود دارد؛ مثلاً افرادی که معتقدند انیمیشن صداقت تصویر مستند را مخدوش می‌کند.

بله، هنوز تصویری که از فیلم مستند وجود دارد این است که مستند یعنی فیلم زنده، که جزء جدایی‌ناپذیر مستند است. در حالی که کسانی که مدعی انیمیشن مستند هستند، می‌گویند مستند همان فیلم زنده نیست. مستند یک رویکرد است، نه یک تکنیک. ببینید، تصویر زنده به چندین دلیل دیگر آن آبروی گذشته را ندارد. مثلاً میزان زیاد ساخت و تولید مستندهای جعلی که همه چیزشان ساختگی است و بیننده‌شان را فریب داده است و تولیدکنندگان، مثل بی‌بی‌سی، هم جریمه‌های سنگینی